

تأثیر انقلاب اسلامی بر بیداری اسلامی در منطقه؛ با تأکید بر انصار الله یمن

رشید رکابیان^۱
ناصر پورحسن^۲

چکیده

انقلاب اسلامی ایران به عنوان نقطه آغاز خیزش بیداری اسلامی در نیمه دوم قرن بیستم، شروع دوره جدیدی از ظهور اسلام با رویکرد سیاسی را برای جهان اسلام نوید داده و پیروزی برجسته ترین حرکت اسلامی در این دوره، سایر حرکت‌های اسلامی در جهان اسلام مثل یمن را به تکاپو واداشت. لذا این مقاله ظرفیت‌های فرهنگی - هویتی انقلاب اسلامی ایران و تأثیر انقلاب اسلامی ایران را بر بیداری اسلامی به خصوص انصارالله یمن را بررسی می‌کند (مساله) پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی روشن می‌نماید که تأثیر انقلاب اسلامی بر بیداری اسلامی انطباق دارد (روش) شکل‌گیری انقلاب اسلامی در ایران از سه جهت برای بیداری اسلامی دارای اهمیت است. ۱- انقلاب اسلامی در ایران هویت فرهنگی جدیدی برای ایرانیان به ارمغان آورد با عنوان "هویت اسلامی - ایرانی"؛ ۲- آن چه در ایران رخ داده به عنوان یک تجربه تاریخی - خواه نا خواه- در مقابل دیدگان ملت‌های منطقه است و ظرفیت الگو شدن برای آنها را دارد. ۳- انقلاب ایران ترکیبی از عناصر بومی و فرهنگی ایرانی را با عناصر دینی و مولفه‌هایی از رویکردهای دموکراتیک جدید ترکیب کرده و سنتزی متناسب با شرایط ایران اسلامی ارائه داده است که از ظرفیت بالایی برای الگو شدن برای کشورهای منطقه برخوردار می‌باشد. (یافته‌ها)

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، ظرفیت‌های فرهنگی - هویتی، یمن، بیداری اسلامی

۱. عضو هیات علمی دانشگاه ایت الله بروجردی.

ra.recabian@gmail.com

 <https://orcid.org/0000-0003-4887-6434>

۲. عضو هیات علمی دانشگاه ایت الله بروجردی.

naser@abruo.ac.ir

 <https://orcid.org/0000-0002-4863-1122>

مقدمه

هویت ملی امروز ایرانی، پدیده‌ای ازلی و ابدی نیست، بلکه آن برساخته‌ای سیاسی و اجتماعی است که در بستر جامعه ایران و بر اساس نیازهای روزمره فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... مردمان ایران، از قرن‌ها پیش به صورت هویت ایرانی پیدا شد و به مرور زمان در عین حفظ بنیادهای اصلی خود، شکل تازه‌ای گرفت و به صورت هویت ملی امروزی در آمد. انقلاب اسلامی هم پاسخ مثبت و گرایشی بود به هویت اسلامی جامعه ایران که در جریان بحران هویت در دوران پهلوی بر دیگر وجوه هویتی ایران چیره شد و یک الگوی هویتی با چارچوب اسلامی-دینی را به وجود آورد. به همین خاطر گفته می‌شود سابقه بیداری اسلامی به انقلاب اسلامی ایران باز می‌گردد.

از آنجایی که حرکت‌های بیداری اسلامی، همگی در جوامع اسلامی به وقوع پیوسته، کشورهایی که تجربه گران سنگ انقلاب اسلامی را پیش روی خود می‌دیدند، سؤال‌های زیادی درباره ارتباط انقلاب اسلامی ایران، به عنوان یکی از انقلابهای سیاسی و اجتماعی بزرگ معاصر با این تحولات انقلابی داشتند. بسیاری از صاحب نظران جنبش‌های اسلامی معاصر معتقدند، انقلاب اسلامی ایران یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در پیشبرد روند بیداری و آگاهی مسلمانان و ازدیاد فعالیت‌های مؤثر در جوامع عربی و اسلامی بوده است.

این مقاله تلاش دارد ظرفیت‌های فرهنگی - هویتی انقلاب اسلامی ایران که نقش بسیار زیادی در ظهور و رهبری مجموعه خیزش‌های به هم پیوسته و دنباله دار جاری در منطقه را داشته تبیین و اثبات نماید؛ آموزه‌ها و اندیشه‌های انقلاب اسلامی مبتنی بر عدالت اجتماعی، مردم سالاری دینی و استقلال و آزادی (تلفیقی از جمهوریت و اسلامیت)، استکبارستیزی، و... الگوی بسیاری از جنبش‌ها و خیزش‌های مردمی است.

به عبارت دیگر انقلاب اسلامی، کشورها و ملت‌های فراوانی را تحت تأثیر قرار داده و این تأثیرات که در قالب الگو سازی انقلاب اسلامی ظهور و بروز یافت، فرصت‌های جدیدی را پیش روی جنبش‌ها و جریان‌های مبارز در بحرین، عراق، یمن و... برای آزادی خواهی و استقلال قرار داده است.

۱- پیشینه تحقیق

۱- محسن نصر اصفهانی (۱۴۰۱) در مقاله‌ی «تأثیر نقش مفهومی انقلاب اسلامی بر هویت‌خواهی شیعیان یمن با تأکید بر جنبش الحوثی» معتقد است که هویت‌خواهی شیعیان یمن ریشه در ساختار معنایی و نقش محتوایی انقلاب اسلامی که شامل عواملی چون احیای اسلامی، عدالت‌طلبی، مبارزه با استبداد و استعمار، بازتولید فرهنگ مقاومت و مقابله با نفوذ بیگانگان دارد.

۲- محمد جواد نجفی و بهزاد نجفی (۱۴۰۱) در مقاله‌ی «مصادیق تاریخی بیداری و مقاومت ملت یمن: نویسنندگان از صدر اسلام تا عصر حاضر» معتقدند: مصادیق تاریخی بیداری و مقاومت ملت یمن را بررسی کرده‌اند. به صورت مختصر شامل: در صدر اسلام با پیشتازی در پذیرش اسلام، مشارکت در دفع فتنه علیه پیامبر، اعلام مخالفت با سقیفه بنی ساعده، حضور در گستره جغرافیایی جهان اسلام، قرابت شیعیان زیدیه با تشیع دوازده امامی، دفاع از امام حسن و امام حسین، عدم پذیرش خلافت عباسی، قیام یحیی بن حسین و تشکیل دولت زیدی، قیام علیه صلیحیان اسماعیلی، در عصر حاضر قیام علیه علی عبدالله صالح اهم آن‌ها است

۳- امیرحسین مرادپوردهنوی (۱۳۹۹) در مقاله‌ی «درآمدی بر مراحل بیداری اسلامی در جهان اسلام» نویسنده مراحل بیداری اسلامی را چهار مرحله میدانند؛ مرحله اول که تحت عنوان نهضت اصلاحی نامیده می‌شود این مرحله با شروع استعمار در جهان اسلام شروع شد. مرحله دوم که تحت عنوان انقلاب و جهاد نام برده می‌شود با شکل‌گیری انقلاب اسلامی در ایران آغاز می‌شود. مرحله سوم که شاهد افزایش مشارکت سیاسی و جهاد در جهان اسلام می‌باشیم. موج چهارم بیداری اسلامی که از سال ۲۰۱۱ میلادی در شمال آفریقا و غرب آسیا آغاز گردید، تلاش جوامع در راستای احقاق حقوق از دست رفته خود و ایجاد تحولات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی با محوریت اسلام است.

۴- شکرزاده چهاربرج و جعفری فر (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان یمن» معتقدند با وقوع انقلاب اسلامی ایران روح تازه‌ای بر جنبش‌های شیعی یمن دمیده شد و آنها با الگوبرداری از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و پیروی از ارزش‌های انقلاب اسلامی بر ژئوپلیتیک شیعیان افزوده‌اند.

۵- سوری و احمدی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «نقش انقلاب اسلامی در بیداری

اسلامی» معتقدند که انقلاب اسلامی نقش ویژه‌ای در روند بیداری ملل مسلمان ایفا کرده است. از دیدگاه آنها انقلاب اسلامی به شکل عملی و عینی، جوامع اسلامی را از انزوا و سکوت خارج کرد.

بررسی مطالعات انجام شده نشان می‌دهند که هرچند این مطالعات از یک زاویه به نوعی به موضوع پژوهش حاضر پرداخته اند اما هیچکدام به طور کامل به تأثیر نقش هویت سازی فرهنگی انقلاب اسلامی ایران و تاثیر آن بر بیداری اسلامی در منطقه؛ به خصوص برانصار الله یمن نپرداخته اند. لذا از این جهت پژوهش جدید است.

۲- مفهوم شناسی

۲-۱- بیداری اسلامی

بیداری اسلامی به مفهوم زنده شدن دوباره در پرتو اسلام اصیل است و به معنای دعوت مجدد به اسلام، احیای ارزش‌های اسلامی و دعوت به سوی احیای این ارزش‌ها به کار می‌رود. (صوفی نیارکی، ۱۳۹۱: ۲۹) بیداری اسلامی خواست ملت‌های مسلمان برای بازگشت به زندگی و فرهنگ اسلامی است. بازگشت به مبانی و اصول اسلامی و فوآتر رفتن دین از یک آیین اخلاقی و ورود آن به عرصه مدیریت اجتماع و سیاست و حاکمیت دین بر تمام شئون زندگی است. (یزدان پناه، ۱۳۹۰: ۱۹) بنابراین «بیداری اسلامی به مجموعه تحولات فکری، اجتماعی و سیاسی جوامع اسلامی در جهت بازگشت به حاکمیت قرآن، سنت و ارزش‌های اسلامی در زندگی سیاسی و اجتماعی و ساخت تمدن اسلامی اطلاق می‌گردد.»

۲-۱-۱- مؤلفه‌های بیداری اسلامی

عمده‌ترین مؤلفه‌های بیداری اسلامی عبارتند از:

۱- **اسلامگرایی:** هدف اصلی و هسته مرکزی خیزش اسلامی استقرار تعالیم و ارزش‌های اسلامی است. چون اکثریت قریب به اتفاق مردم در این حرکتها مسلمانان هستند و تعلق خاطر شدیدی به اسلام و قوانین اسلامی دارند.

۲- **مقابله با استعمار و استبداد:** (نفی سبیل) مخالفت با سلطه استکبار و رژیمهای وابسته به آنها از جمله خواسته های مشترك در نهضت بیداری اسلامی است. دلیل عمده این مخالفت

توسط مردم این کشورها با استکبار، تسلط کشورهای غربی به ویژه امریکا در ساخت قدرت سیاسی و امنیتی آنها است.

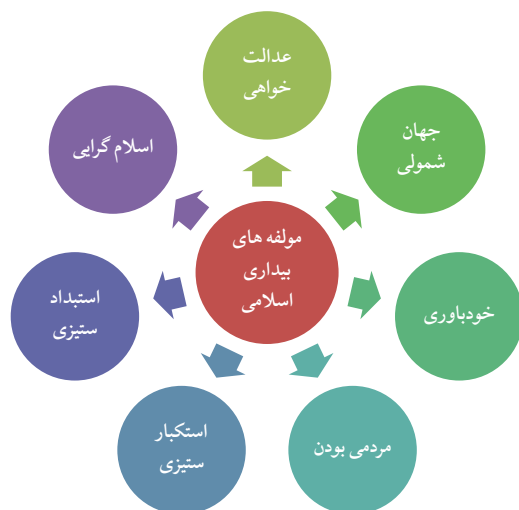
۳- مردمی بودن: مهمترین عنصر تشکیل هویت بیداری اسلامی مردمی بودن آن است. وابسته بودن رژیمهای کشورهای منطقه به غرب باعث شد که منافع کشورهای بیگانه ولی حامی این رژیمها بر منافع مردم رجحان و برتری داشته باشد. از سوی دیگر وابسته بودن این نظامهای مستبد باعث میگردید که مردم در تعیین سرنوشت خود تأثیرگذار نباشند. بنابراین عدم مشارکت مردم در ساختار سیاسی و تعیین سرنوشت خود از مؤلفه های مهم در بروز نهضت بیداری اسلامی است.

۳- خودباوری: خودباوری از مؤلفه های عمده در بیداری اسلامی است؛ زیرا باعث میشود فرد برای خود و جامعه خویش شخصیت و هویت قائل شود، به خود باور داشته باشد.

۴- عدالتخواهی: عدالت دیرینهترین خواسته و بنیادینترین آرمان آدمی است و جزء عالی ترین ارزشهای حاکم بر اندیشه و زندگی انسان است.

۵- جهانشمولی: بیداری اسلامی به تشیع و جهان اسلام محدود نمیشود بلکه بازتاب آن به اروپا و امریکا نیز خواهد رسید. در نظریه بیداری اسلامی تنوع نژادی، قومی، مذهبی، زبانی و منطقه ای وجود دارد. از طرف دیگر با توجه به اینکه هدف اصلی بیداری اسلامی نظام سازی است و در آن تئوری سیاسی اهمیت بسزایی دارد، لذا در یک چهارچوب جهانشمول برای همه جوامع برنامه ای جامع و مدون را مطرح نموده است.

۶- حمایت و دفاع از مظلومان جهان: دفاع و حمایت از مظلومان و مستضعفان به عنوان آموزه های قرآنی از مؤلفه های مؤثر در حرکت های بیداری اسلامی معاصر است. (ر، ک، بهنیافر، ۱۳۹۱)



۲-۲- هویت

معنای هویت^۱ ریشه در زبان لاتین دارد و دارای دو معنای اصلی است: ۱- همسانی و یکنواختی مطلق؛ ۲- تمایز که به مرور زمان، سازگاری و تداوم را فرض می‌گیرد. (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۲۲۲)

در واقع هویت به‌عنوان پدیده‌ای سیال و چند وجهی، حاصل فرآیند مستمر تاریخی است که تحت تأثیر شرایط محیطی، همواره در حال تغییر است؛ به تعبیر دیگر، هویت همواره و به‌طور تغییرناپذیری «بین‌الاذهانی» است و با مفاهیم اجتماعی و سمبل‌های فرهنگی آمیخته شده و با آنها تفسیر می‌شود. هویت یک گروه یا ملت، نه یک جوهر ثابت و قطعی است و نه از یک ساختار قطعی برخوردار است، هویت به‌مثابه چیزی مورد توجه است که همیشه ساخته می‌شود و می‌تواند به‌صورت انتقادی بازسازی شود. (حاجیان، ۱۳۸۸: ۴۳)

۲-۳- هویت سازی

هویت‌سازی^۲ وقتی فرد یا گروهی می‌خواهد هویت خود را در موقعیت جدید، تعریف یا بازتعریف کرده و مورد بازشناسی قرار دهد، اگر این مورد بازشناسی قرار گرفتن و قراردادن

1. identity
2. Identification

به درستی صورت گیرد، به معنای ساختن هویت و هویت‌سازی است. (آزادارمکی، ۱۳۸۳: ۲۶۱) فرایند هویت‌سازی این فرصت را برای کنشگر اجتماعی فراهم می‌کند که برای طرح پرسش‌های بنیادین معطوف به چیستی و کیستی خود، بتواند پاسخی مناسب جست‌وجو کند.

۳- امواج بیداری اسلامی

بیداری اسلامی نظریه‌ای است برای تحلیل و تبیین رخدادهایی که از دسامبر ۲۰۱۰ با خود سوزی («محمد بوعزیزی») در تونس آغاز و با سرنگونی حکومت‌های عربی تونس، مصر، لیبی و یمن ادامه یافت و در کشورهای اردن، بحرین، شرق عربستان نیز در جریان بود.

گرچه آغاز رواج و کاربرد بیداری اسلامی متأخر است اما به نظر می‌رسد در واکاوی تاریخی، این مقوله از قدمتی حداقل یک و نیم قرن برخوردار است و حقیقت آن است که آنچه در تحولات اخیر کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا رخ داده است، بخش جدید و نوظهور و البته نه پایانی آن محسوب می‌شود. شاید بهتر باشد به جای بیداری اسلامی از امواج بیداری اسلامی سخن گفت و باید گفت امواج بیداری اسلامی به شرح ذیل است:

۱- از مبارزات سید جمال الدین اسدآبادی تا نهضت امام خمینی (ره). ۲- از نهضت امام خمینی (ره) (انقلاب اسلامی ایران) تا بهار بیداری اسلامی در کشورهای اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا. ۳- موج سوم از پیدایش تحولات اخیر (۲۰۱۰) منطقه تاکنون می‌باشد.

اما آنچه سید جمال الدین اسدآبادی مطرح کرد استراتژی و راهبرد مبارزه برای استقلال، توسعه و پیشرفت در جهان اسلام بود. در حالی که نهضت اسلامی امام خمینی اوج تمامی حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی تاریخ اسلام و تشیع و تبلور همه آمال و آرمان‌های انقلابی نهضت‌هایی بود که قبلاً به وقوع پیوسته بودند و این موج دوم بیداری اسلامی از طریق محور قرار دادن اسلام سیاسی پویا و عملگرا، احیای مفاهیمی چون جهاد، شهادت، ظلم ستیزی، عدالت طلبی، نفی سلطه کفران و ارائه تقسیم بندی نوین از جهان بر مبنای مستکبران و مستضعفان (در مقابل تقسیم بندی مرکز-پیرامون) و استقرار نظام سیاسی مردم سالار با عنوان جمهوری اسلامی شکل گرفت و به اسلام در جهان هویتی جدید بخشید. (هزاوه ای، ۱۳۹۱: ۱۳-۱۲)

اسلام شیعی با داشتن مجموعه‌ای از ایده‌ها و نگرش‌های اعتقادی، ارائه دهنده یک ایدئولوژی اسلامی برای تعالی انسان و حرکت او به سوی کمال حقیقی است. این سعادت و کمال برخلاف

وعده ایدئولوژی‌های مادی-نمی‌تواند صرفاً اهداف دنیوی و مادی گروه یا قشر خاص را در برگیرد، بلکه مبتنی بر اهداف دنیوی و دینی تمام جامعه بشری است. (امرای، ۱۳۸۳: ۱۴)

در فرآیند انقلاب اسلامی، اسلام شیعی به مثابه ایدئولوژی راهنمای عمل و رهایی بخش جلوه‌گر شد. در این راستا نقش امام خمینی (ره) به عنوان ایدئولوگ انقلاب اسلامی برجسته است. مهم‌ترین اقدام امام در زمینه اسلام شیعی، ایجاد تغییرات اساسی در تفکر اجتهادی شیعه نسبت به سیاست بود، از جمله این اقدامات، بطلان تز جدایی دین از سیاست، حرام شمردن تقیه و سکوت در برابر ظلم، حمله به دربار، نهاد سلطنت و... و ادامه مبارزه تا تغییر نظام سلطنتی به یک حکومت اسلامی بود. در واقع قرائت امام از آموزه‌های اسلام شیعی-دست کم در پاره‌ای موارد- چهره‌ای ایدئولوژیک بدان بخشید که تمامی دقایق و عناصر سایر ایدئولوژی‌های سیاسی-اجتماعی مدرن و رهایی بخش را در برداشت. (اخوان مفرد، ۱۳۸۱: ۲۳۳)

بهره‌گیری از دین و ظرفیت‌های فرهنگی در ایجاد تحول اجتماعی مطلوب، مهمترین تأثیر امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی بر جنبش‌گران مسلمان و جنبش بیداری اسلامی است، امام و انقلاب به خوبی نشان دادند تنها راه نجات، اسلام است؛ این، رمز بیدار شدن جهان خسته از گمراهی مسلک‌ها و مکتب‌های دیگر است. (محمدی، ۱۳۸۶: ۵۰۲)

حضرت آیت الله خامنه‌ای نیز در ارتباط با این دستاورد مهم در موج دوم بیداری تأکید می‌کنند که انقلاب اسلامی در حقیقت دو کار بزرگ انجام داده است که یکی تشکیل نظام اسلامی و دیگری زنده کردن هویت اسلامی در دنیا است و سرانجام جهان از سال ۲۰۱۰ به بعد با تأثیر پذیری از امواج اول و دوم بیداری اسلامی شاهد تغییرات و تحولات برق‌آسایی در خاورمیانه و شمال آفریقا بود که از سوی دیگران (غربی‌ها) به بهار عربی، خزان غربی و... شهرت یافت. (هزاوه‌ای، ۱۳۹۱: ۱۳-۱۲)

۴- هویت ملی پس از انقلاب اسلامی:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار دولت جدید، فصل جدیدی از مناسبات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آغاز شد. تأسیس دولت نو پدید، بر آیند ائتلاف مهم‌ترین نیروهای چالش‌گر علیه حاکمیت پیشین و استقرار نظامی جدید مبتنی بر ارزش‌های دینی بود. این ارزش‌ها بنیان گفتمان جدیدی بود که در واکنش به فرآیند فروپاشی هم‌بستگی‌های سنتی در عصر پهلوی پدیدار

شد. گفتمان جدید در پی آن بود تا امنیت از دست رفته ی دنیای سنتی را با بسیج توده‌ای و عرضه‌ی ایدئولوژی فراگیر جبران کند. به طور کلی می‌توان این گفتمان را محصول فشارهای روحی ناشی از مدرنیسم، گسیختگی اجتماعی، شکل‌گیری جامعه توده‌ای و احساس ناامنی طبقاتی توصیف کرد که از فرآیند نوسازی جامعه به شیوه غربی زیان روحی دیده بودند (بشیریه، ۱۳۷۸: ۷۶).

نظام ارزشی و همچنین نظام مبادله و ساختارهای اجتماعی که از سوی تمدن جدید توصیه و در ایران از جانب دولتمردان رژیم پهلوی ترویج می‌شد، هنجارهای جامعه ایرانی را در هم ریخت. انقطاع فرهنگی و بحران هویت؛ ثمره چنین فرآیندی بود. هر چند نخبگان حکومت پهلوی مدرن‌سازی را در همه عرصه‌های اجتماعی جاری ساختند، کوشیدند حوزه سیاسی از آن در امان بماند اما همین امر بحران را عمیق‌تر ساخت و زمینه‌های پیدایی بحران مشروعیت را فراهم کرد. بنابراین در کنار چالش ارزش‌های جدید با ارزش‌های قدیم، آنچه بیش از همه موجب نارضایتی مردم از به خطر افتادن هویتشان شد، این بود که حاملان نوسازی و مروجان ارزش‌های جدید دولتمردانی بودند که با تفسیر سلطانی و اقتدارگرایانه به تبلیغ و ترویج مدرنیسم همت گماشتند مذهب و تجدد را در مقابل هم قرار دادند بدون شک، پدیده مشروعیت از دستاوردهای عصر تجدد است آنکه تفسیر سلطانی دولت پهلوی چندان وقعی به آن نمی‌گذاشت. بدین ترتیب در دولت پهلوی کوشش فراوانی صورت گرفت تا هویت ملی آمیزه‌ای از گذشته پادشاهی ایرانی و سنن سلطانی و نوعی شبه مدرنیسم مبتنی ارزش‌های غربی باشد. (نظری و سازمند، ۱۳۸۷: ۴۹)

پیروزی انقلاب اسلامی در دهه‌های پایانی قرن بیستم - قرن‌ی که از آن به عصر پایان ایدئولوژی‌ها و پایان تاریخ تعبیر می‌شد - هم چون موجی خروشان بر اندیشه‌ها و نظریه‌های مادی‌گرایانه غربی و شرقی فرود آمد و بساطی نو در افکند. نظام فکری و فرهنگی ملهم از ارزش‌های متعالی اسلامی، جایگزین آن گردید. این انقلاب که بر خلاف دیگر انقلاب‌های مدرن از رویکردی دینی و معنوی برخوردار بود، از اساس نگرش دنیا محورانه و مادی‌گرایانه حاکم بر نظام تعامل جهانی را به چالش کشانید و موجی از امید و شور را در میان ملت‌های محروم جهان و نیز جوامع اسلامی بوجود آورد؛ جوامعی که عموماً تحت سلطه حکومت‌های خودکامه بودند. نخبگان مذهبی پس از انقلاب سخت دل مشغول پالایش اخلاقی جامعه بودند، جامعه‌ای که ارزش‌های غربی آن را دچار بحران هویت کرده بود آنان با انتقاد از دستاوردهای تمدن غیر دینی

غرب، رژیم پیشین را آماج حمله های خود قرار داده و سیاست اسلامی و دینی را که مسأله ای اخلاقی است، جایگزین الگوهای پیشین کردند... (زهیری، ۱۳۸۹: ۱۴۲) و بعد از انقلاب نیز، ایران به پایگاه، یک حرکت اسلامی نوین، که مرکزیت بخش اعظم دنیای اسلام را طی سال های گذشته در خود داشته است تبدیل گردید. این انقلاب به لحاظ ظرفیت های بالای جاذبه ایدئولوژیک توانست نه تنها در میان ملت های اسلامی، بلکه ملت های محروم و ستم دیده نیز از پذیرش و استقبال فزاینده ای برخوردار گردد و تاحد زیادی انسان های مسلمان و آزادی بخش را مجذوب خود سازد.

در دهه دوم نظام جمهوری اسلامی و یا تغییر فضای جامعه و یا توجه به امکانات ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و تحولات داخلی و بین المللی، گفتمان های هویتی موسوم به سازندگی (۶۸-۷۶) و اصلاحات (۸۴-۷۶) شکل گرفت. با آغاز عصر سازندگی و گرایش به نوسازی در کشور، شرایطی پدید آمد که نیاز به تعریف مجددی از هویت ایرانی را تجویز می کرد. در این تعریف هویت ایرانی آمیزه ای از ملیت ایرانی و اعتقادات مذهبی است. در اواخر دهه دوم با روی کار آمدن سید محمد خاتمی، رویکرد به هویت ملی دچار دگردیسی شد در گفتمان موسوم به اصلاحات نقطه کانونی گفتمان هویتی اصلاح طلبان "مردم سالاری دینی" بود. گفتمان بر تکرار و پراکندگی هویتها تأکید بیشتری می کرد و خواهان برقراری تعادل بین مؤلفه های دینی ملی هویت ایرانی بود. همچنین در این دوران در کنار هویت دینی که کانون اصلی هویت ایرانی محسوب می شود، تعدیل هایی در اقدامات پیشین که در دهه اول برای گسترش هویت سراسری ایدئولوژیک انجام شده بود صورت گرفت. در واقع با پدید آمدن جوی تازه، در کنار هویت مذهبی (به عنوان کانون اصلی هویت ایرانی) وجه ایرانی بودن و توجه به حوزه فرهنگ و تمدن ایرانی نیز دوباره مورد توجه قرار گرفت و ضرورت بازسازی کشور در دوران پس از جنگ باعث شد رویکرد ملی در هویت ایرانی نیز مورد توجه قرار گیرد و نگرش ملت-محور (خدمت به اسلام از طریق ایران) جایگزین رویکرد امت-محور شود. (احتشامی ۱۳۷۸: ۱۸)

۵- ماهیت انقلاب اسلامی ایران

شناسایی ماهیت انقلاب اسلامی و تشخیص فصل ممیز آن از سایر انقلاب ها مشکل به نظر نمی رسد و تفاوت این انقلاب با سایر انقلاب های دنیا، در اسلامی بودن آن است. بنابراین، اگر

نظامی، آن فصل ممیز و آن مشخصه ماهوی خود را همچنان حفظ کند، می‌توان ادعا کرد که هنوز ماهیت خود را از دست نداده است. ولی اگر این فصل ممیز حفظ نگردد، باید اعتراف کرد که این انقلاب از مسیر اصلی خود خارج و دچار آسیب شده است.

از آن‌جا که تنها دینی که برای تمام شوون انسان‌ها، اعم از شوون فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی، برنامه دارد، اسلام است، تنها انقلابی نیز که قادر است که جمیع مصالح مردم را تأمین و تضمین کند و خود، مسایل و مشکلات جدیدی پدید نیاورد، انقلاب اسلامی است؛ یعنی انقلابی که در همه ابعاد و وجوه خود، بدون استثنا، از جهان‌بینی و ارزش‌گذاری دین مقدس اسلام مایه بگیرد و تغذیه کند. از این‌رو، رهبران این انقلاب، برخلاف رهبران سایر انقلاب‌ها، نه برای تأمین مقاصد انقلاب، از هر عقیده‌ای، و اگرچه باطل و خلاف واقع، بهره می‌گیرند و نه با تحریک و تهییج شدید احساسات و عواطف مردم، عوامل غیر عقلانی را بر فعالیت‌ها و کارهای آنان حاکم می‌سازند؛ بلکه احساسات و عواطف مردم را محکوم و تابع احکام و ادراکات عقل و آرای صحیح می‌گردانند و آن‌گاه از آن‌ها برای کامیاب ساختن انقلاب و محقق کردن اهداف آن سود می‌برند. از طرفی، انقلاب اسلامی مدعی است که تنها حلقه‌ای از یک زنجیر طولانی می‌باشد که به وسیله پیامبر اسلام (ص) - حتی پیامبران قبل از اسلام - بنیان‌گذاری شده است. و به این انقلاب نیز ختم نمی‌شود. و انقلاب ایران تنها بخشی از انقلاب مداوم اسلام است. به این ترتیب انقلاب اسلامی نمی‌تواند به تشیع محدود باشد؛ چراکه این انقلاب، تداوم انقلاب انبیاء - از جمله پیامبر اسلام - و بازسازی ارزش‌های نبوت عامه و خاصه و امامت عامه و خاصه است و بر خلاف کوشش مغرضان یک انقلاب فرقه‌ای، ملی، نژادی و طبقاتی نیست و می‌تواند الگوی خوبی برای انقلاب کردن دیگر ادیان، پیروان مذاهب مختلف اسلامی و تمام مستضعفان باشد بر این اساس می‌توان گفت که انقلاب ایران نه اولین انقلاب اسلامی است و نه آخرینش خواهد بود. ارزش و اهمیت این انقلاب بیشتر در آن است که عمدتاً روش و دیدگاه جدیدی را به همراه آورده است که این روش و دیدگاه برای تمامی مسلمانان و حتی مستضعفانی که در پی استقلال و آزادی و عدالت هستند درخور تأمل و تعمق است. (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۸: ۵۸)

۶- ماهیت تحولات خاورمیانه

با شروع خیزش‌های مردمی خاورمیانه و شمال آفریقا در پایان سال ۲۰۱۰ و اوایل ۲۰۱۱، شاهد

گسترش سریع این موج به سایر کشور های منطقه، وقوع انقلاب و سرنگونی رژیم های اقتدارگرا در برخی کشور ها همچون تونس و مصر و لیبی بودیم. برخی این تحولات را بهار عربی و شروعی برای آغاز حکومت های دموکراتیک و برخی دیگر این تحولات را بیداری اسلامی و در نتیجه رشد تدریجی و فراگیر اسلام خواهی در منطقه می دانند. (Tarock.2011:26-34)

(Filiu.2011:19)

علی رغم نظریات متفاوت با رویکرد مثبت یا منفی، دیدگاهی خوش بینانه مبتنی بر یک سیر تحول از رژیم های اقتدارگرا و دیکتاتوری به سمت حکومت های دموکراتیک و تمایل به دموکراسی خواهی و آزادی در اعتراضات خواسته های مردم منطقه بر جسته تر و غالب بوده است بر این اساس، گذار از رژیم های اقتدارگرا و ایجاد تغییراتی برای بهبود وضعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و در نهایت تشکیل حکومت های دموکراتیک و مردمی به "بهار عربی" و شروع فصلی متفاوت از حاکمیت شامل آزادی، رفاه، حقوق بشر، دموکراسی برای مردم منطقه تعبیر و تشبیه شده است. به همین دلیل گذار از رژیم های دیکتاتوری پیشین به حکومت های مردم سالار را نوعی گذار از زمستان به بهار برای جهان عرب می دانند. (Tarock.2011:26-34)) سکولاریسم، اقتدارگرایی، ملی گرایی، غرب گرایی، ایده سازش با غرب و اسرائیل و وضعیت اسف بار اقتصادی و اجتماعی در خیزش های اخیر طرد و نفی می شوند؛ اما در مقابل خواست اجرای اسلام، تحقق آزادی، تحقق استقلال ملی و بازیابی کرامت جمعی، ایستادگی در مقابل سلطه طلبی و نهایتاً شکل دادن به الگویی کارآمد از مدیریت اقتصادی و اجتماعی را خواستار بودند. (قالیباف و پور موسوی، ۱۳۹۱: ۱۳۲-۱۳۱) از این رو موجی از جنبش های اجتماعی که از سال ۲۰۱۰ در جهان عرب آغاز شد، یک پروژه مردمی بود که از نارضایتی اجتماعی آنها بر ضد دولت های اقتدارگرا سوخت گیری می کرد، که این نارضایتی و اعتراض به طور مداوم برای سال ها پیش از این به طور آهسته در حال جوشیدن بود و با شروع اولین جرقه کاملاً به جوش آمد. (Taro-ck.2011:26-34)

بعضی از محققین در تفسیرهای خود، ماهیت جنبش را دموکراسی خواهانه می دانند، در حالی که دموکراسی خواهی جزئی از کلیتی است که اسلام و هویت انکار شده شش دهه گذشته خاورمیانه مبنای آن است. با این بیان، اسلام و تحرک بر مدار آن را می توان به مانند کلیت و

ظرفی در نظر گرفت که جنبش در متن آن شکل گرفته و نارضایتی های شکل گرفته از اقتدارگرایی، ناکارآمدی اقتصادی و اجتماعی و نهایتاً عقب نشینی دائمی در برابر غرب و اسرائیل را در متن خود قرار داده و به صورت یک مجموعه منسجم به جهان ارائه می دهد در چنین حالتی جنبش، مدعی شکل دادن به نظامی سیاسی است که هویت آن بر اساس اسلام است و در بستر آن می توان به حل معضلات تاریخی ملت های عرب پرداخت. گروه هایی که دموکراسی طلبی را به عنوان عنصر هویت بخش این جنبش ها می دانند، برداشتی از اسلام در نظر دارند که نمی تواند آزادی خواهی را در متن خود قرار دهد. حال آنکه واقعیت موجود در کشور های دستخوش دگرگونی حاکی از آن است که نماد های جنبش اسلامی هستند و آزادی خواهی در متن آن مطرح می شود. دلایل اسلامی بودن جنبشها:

۱- مردمی بودن با هویت اسلامی؛ ۲- حضور اسلام و شعارهای اسلامی به عنوان نماد اعتراض و خواست تغییر؛ ۳- حضور و نقش آفرینی نیروهای اسلام گرا به عنوان نیرومندترین و اصلی ترین نیروی حاضر در صحنه. ۴- حضور و غلبه خواسته های اسلامی از یک سو و شعارهای ضد غربی و ضد صهیونیستی از سوی دیگر.

به این دلیل اسلام انقلابی هسته مرکزی خیزش و عنصر پایه ای هویت بخش تحولات است که سایر خواسته ها در سایه آن مطرح می شوند. (قالیباف و پورموسوی، ۱۳۹۱: ۱۳۲-۱۳۱)

بنابراین موج بیداری در کشور های عربی نیز با وجود همه بحث هایی که می شود، اسلامی است و این ادعا با دلایل متعددی قابل اثبات است. آخرین شاهد بر این ادعا نتایج انتخابات در اولین کشور متأثر از این بیداری یعنی تونس است. دومین مورد آن تجمع و شعارهایی انصارالله یمن است که در این مدت به خیابانها می آیند. بسیاری فساد طبقه دولتمردان و دیکتاتوری حاکم بر کشور را عامل اصلی وقوع اولین انقلاب مردمی در یک کشور عربی می دانند اما آنچه بیش از همه در رابطه با عملکرد دولت "بن علی" قابل توجه است، رویکرد ضد دینی و ضد ارزشی وی در اداره جامعه تونس است. وی نه تنها به ریشه کن کردن حرکت های اسلامی و تبعید رهبران شان اکتفا نکرد، بلکه تمامی تلاش خود را کرد تا هر گونه رفتار و نشانه اسلامی را از سطح جامعه پاک کند. که اجرای قانون ممنوعیت حجاب در تونس، مهمترین نمود آن بود. به طور کلی میزان شباهت به فرهنگ غربی و سکولار در جامعه تونس از تمام کشورهای عربی در شمال آفریقا و خاورمیانه به خاطر حاکمیت ۵۲ ساله "حبيب بورقبيه" و "زين العابدین بن علی" بیشتر بود

اما وقتی انتخابات کاملاً دموکراتیک برگزار شد، حزب اسلام گرای نهضت به پیروزی رسید. (فلاح، ۱۳۹۱: ۵۳)

دیدگاه مقام معظم رهبری هم مبنی بر این است که تحولات خاورمیانه متأثر از انقلاب اسلامی و ظرفیت فرهنگی - هویتی آن بوده و عمدتاً ماهیت دینی و اسلامی دارد؛ هرچند با مطالباتی اقتصادی و اجتماعی به منصفه ظهور رسیده است. ماهیت تحولات خاورمیانه را می توان در صحبت ها، سخنرانی ها و بیانیه های مقام معظم رهبری دید؛

«بیداری اسلام منجر به حضور مردم در عرصه تعیین سرنوشت خود شده است.

مردمی بودن این انقلاب ها مهم ترین عنصر در تشکیل هویت آن هاست.

امروز در سرتاسر منطقه اسلامی و منطقه عربی، حرکت های اسلامی و جوش های

اسلامی مشاهده می شود.» (بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۹۰/۱۱/۴) می فرماید:

«خواست عمومی ملت‌هایتان بازگشت به اسلام است؛ که البته به مفهوم «بازگشت به گذشته»

نیست. اگر انقلابها باذن الله واقعی بمانند و ادامه یابند و دچار توطئه یا استحاله نگردند، مسئله‌ی

اصلی شما، چگونگی نظام‌سازی، قانون‌نویسی و مدیریت کشور و انقلابها خواهد بود؛ این

همان مسئله‌ی مهم تمدن‌سازی اسلامی مجدد در عصر جدید است... (۱۳۹۰/۱۱/۱۴) بر این

اساس می توان مؤلفه‌های اسلامی دانستن (بیداری اسلامی) تحولات منطقه، خود جوش دانستن

تحولات منطقه و مردمی دانستن تحولات منطقه را استخراج کرد. (حاجی یوسفی، ۱۳۹۱:

۱۴۵-۱۴۱)

۷- انقلاب اسلامی ایران به عنوان الگوی خیزش های جدید:

ویژگی انحصاری انقلاب اسلامی همان هویت خواهی اسلامی آن به رهبری امام خمینی (ره)

بود که به عنوان مهم ترین عامل رشد گروه‌های اسلامی در خاورمیانه و جوامع اسلامی از دهه‌ی

۱۹۸۰ میلادی به بعد به شمار می رود. به اعتقاد کارشناسان، بسیاری از جنبش ها در دهه اخیر

با الگوپذیری از انقلاب اسلامی ایران، مبارزه‌ی قهر آمیز را در پیش گرفته‌اند. گروه جهاد در

مصر و تلاش برای سرنگونی رژیم سادات، تحولات و تحرکات گروه اخوان المسلمین در همین

کشور، ظهور و سازماندهی دوباره سازمان های شیعی در عراق مثل حزب الدعوة و سازمان

عمل اسلامی و مبارزه‌ی آنها با رژیم بعث، ناآرامی های شیعی در مناطق نفت خیز عربستان،

رویاری گروه های اسلامی و حرکت علماء در الجزایر و تونس، ظهور حرکت های شیعی و سنی در لبنان، همگی نشانگر این بوده است که وقوع انقلاب اسلامی در ایران و موفقیت آن در سرنگونی قوی ترین رژیم منطقه یکی از عوامل اصلی شکل گیری جنبش های اسلامی به ویژه در جهان عرب محسوب شده است. (کرمانی، ۱۳۹۱: ۲)

حالا به تعبیر بسیاری از تحلیل گران، با توجه به حضور اسلام به عنوان عنصر تعریف کننده اصلی ملت های خاورمیانه و از سوی دیگر شکست و بی اعتباری گفتمان ها و الگوهای معاصر مدعی و کنش گر در صحنه سیاسی خاورمیانه، اسلام و جهت گیری اسلامی انتخاب طبیعی ملت های خاورمیانه است. وقتی این زمینه را با وجود یک سنت بزرگ و نیرومند مبارزه بر مدار فرهنگ دینی در خاورمیانه در نظر داشته باشیم می توانیم دریابیم که چرا اسلام حضور این چنین نیرومند در جنبش ها دارد و ظرفیت فرهنگی - هویتی انقلاب اسلامی ایران چه تاثیری در این بین داشته است. سخن از سنت اسلام مبارزی است که الگوهای مسلط در شش دهه گذشته خاورمیانه اقدام به سرکوب آن کرده اند. رویش انقلاب اسلامی و الگوی جدیدی که به عنوان الگوی مبارزه و پیگیری خواست های جمعی از درون آن به جهان اسلام ارائه شد، ریشه ای عمیق در هویت مردم مسلمان خاورمیانه و تلاش های فکری نخبگان مسلمان معاصر دارد. انقلاب اسلامی از یک سو بر آیند تحولات و تحولات فکری و اجتماعی ما قبل خود در مجموعه جهان اسلام بود و از سوی دیگر به عنوان الگویی جدید از سازماندهی اجتماعی و سیاسی کشور های مسلمان در مقابل سه الگوی ملی گرا، سوسیالیستی و لیبرالی غرب گرا مطرح شد. با از میان رفتن اعتبار الگوهای سوسیالیستی و پس از آن الگوهای ملی گرایانه، دو دهه اخیر خاورمیانه را می توان عرصه منازعه دو رویکرد اسلامی و لیبرال آمریکایی برای سازماندهی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خاورمیانه دانست. در این میان الگوی لیبرال در قالب دو طرح «نظم نوین جهانی» و «خاورمیانه بزرگ» کوشید تا فضایی برای سازماندهی مجدد سیاسی و اجتماعی کشورهای منطقه ارائه کند که خیزش های اخیر و درون مایه آن ها را می توان در نفی و انکار آن ها دانست. وقتی از بیداری اسلامی سخن گفته می شود منظور چرخشی است که در ایدئولوژی مبارزه و شیوه بیان خواسته های عمومی به وجود آمده است. چرخشی از الگوهای قبلی مدعی تحقق مطالبات، تا به زبانی که عمیقاً در تاریخ منطقه ریشه دار است و تبلور عینی خود را در انقلاب اسلامی ایران یافته است و به شیوه و بیانی دیگر در سایر کشورهای خاورمیانه بازتاب یافته است

و محرک و ظرف بیان اعتراض های خواسته هایی است که الگوها و ایدئولوژی های دیگر از پاسخ به آن ها ناتوان بوده اند. (قالیباف و پورموسوی، ۱۳۹۱: ۱۳۲-۱۳۵) بنابراین بسیاری از تحلیل گران این خیزش ها را ناشی از نفوذ قدرت نرم انقلاب ایران در این مناطق می دانند؛ زیرا موتور محرک خیزش های مردمی خاورمیانه را در احیای ارزش های اسلامی جستجو می کنند که ریشه در قدرت نرم مکتب اسلام، شریعت و آموزه های انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) دارد. که بر گسترش و تعمیق اندیشه مقاومت در برابر استکبار تأکید فراوان دارد. تشابه برخی خواسته های معترضان انقلاب های عربی در مصر، تونس، یمن، بحرین و یمن با ویژگی های انقلاب اسلامی ایران و از طرفی ماهیت نظام استبدادی کشور های شورای همکاری خلیج فارس و نظام شاهنشاهی پهلوی، تداعی کننده الگوپذیری معترضان از مدل انقلاب اسلامی ایران شده و آن را بازخورد قدرت نرم انقلاب ایران در سطوح منطقه و فرامنطقه ای ارزیابی می کنند. لذا یکی از دستاوردهای قدرت نرم انقلاب ایران، تجلی قیامهای مردمی منطقه، فروپاشی نظام های سلطنتی و سنتی اکثر کشور های عرب منطقه خواهد بود. و در میان مدت، سیر تحولات به سمت استقرار نظم جدیدی مبتنی بر نظام مردم سالاری دینی یا افزایش تمکین دولتمردان به حقوق سیاسی و اجتماعی شهروندان متمایل خواهد شد؛ (جمال زاده، ۱۳۹۱: ۸۱-۸۰). در کل می توان برای رسیدن به یک مردم سالاری دینی موفق به دو عامل اصلی در جابه جایی قدرت و تحرک اجتماعی یعنی "رای مردم" و "دیگری" دین اسلام اشاره کرد. بر این اساس ضروریست به جای دموکراسی مد نظر نظام های لیبرال دموکراتیک غرب؛ "مردم سالاری دینی" را به عنوان بارز ترین شاخص این تحولات قلمداد کرد.

خودباوری و احیای اندیشه مقاومت، مهم ترین دستاورد این خیزش ها می باشد که از آن با عنوان "بیداری اسلامی" یاد می شود. اساساً هر ساختار و جریانی که بر اساس آموزه های مقاومت اسلامی شکل گرفته و قوام یافته، چالش های جدی را در برابر زیاده خواهی قدرت های سلطه گر به وجود آورده است.

به نظر می رسد روند تحولات بیداری اسلامی در منطقه با تحقق خاورمیانه اسلامی به پیش رود. پیش بینی شکل گیری خاورمیانه اسلامی بر اساس قدرت نرم آموزه های دینی برای اولین بار توسط مقام معظم رهبری مطرح شد. ایشان در دیدار با شرکت کنندگان افتتاحیه همایش غزه فرمودند: "شکی نیست که بر اساس حقایقی که خدای متعال تقدیر کرده است، خاورمیانه جدید

شکل خواهد گرفت. این خاورمیانه، خاورمیانه اسلامی خواهد بود. (جمال زاده، ۱۳۹۱: ۸۱-۸۰)

جمهوری اسلامی ایران به تعبیر رهبر انقلاب، جمهوری اسلامی "مادر بیداری و حرکت اسلامی در منطقه" است و ملت های مسلمان منطقه، بازیابی هویت خودشان را در ایستادگی و مقاومت ایران می بینند. با آتش «بوعزیزی» که دامن حکام مرتجع عرب را گرفت؛ "الشعب نرید الاسقاط النظام"، "الله اکبر"، "لا اله الا الله"، "الشعب یرید تحریر فلسطین" خواسته مشترک مردم شد؛ طوری که اسلامی بودن و مردمی بودن و ضد آمریکایی و اسرائیلی بودن، شاخصه های اصلی انقلاب های منطقه شده است. غیرت دینی مردم مصر به جوش می آید و میدان التحریر، کانون تجمع کسانی می شود که اسلام را فریاد می کشند. در تونس بعد از سی سال دیکتاتوری بن علی، نماز جمعه برگزار می شود. مصری ها پرچم آمریکایی را از سر در یکی از مؤسسات آمریکایی پائین می کشند و سفارت اسرائیل را تسخیر می کنند. نهضت های اسلامی جان می گیرند و تمدن اسلامی بار دیگر بازگشت به دوران اوج و شکوه خود را آغاز می کند و جمهوری اسلامی ایران نقش ممتاز و بی بدیلی در اوج گیری مجدد تمدن اسلامی دارد. (فاتحی، ۱۳۹۱: ۴۳-۴۲)

درباره علت یا ریشه این تحولات از سخنرانی ها و مصاحبه ها و بیانیه های مقام معظم رهبری می توان به مورد زیر اشاره کرد:

«انقلاب اسلامی ایران، در دنیای اسلام تأثیر گذاشته است؛ دلها را منقلب کرد، جهت ها را نشان داده و به تدریج انگیزه ها متراکم شده و در یک فرصتی حالا این انگیزه ها بروز می کند.» (بیانات در دیدار با مردم ۱۳/۸/۱۳۹۵)

«الهام بخشی ایران سبب نوعی مزاحمت برای ابر قدرتهایی است که می خواهند چتر خود را همچنان در کشورهای اسلامی به دلایل مختلف مستقر کنند و با ظلم به ملتها منابع انرژی آن ها را بردارند.» (۱۳۹۶/۶/۸)

با این گویه ها، ریشه اصلی تحولات خاورمیانه را باید در ظرفیت های فرهنگی-هویتی انقلاب اسلامی ایران جستجو کرد اما یکی از بخش های مهم در صحبت های مسئولانی که چنین برداشتی از تحولات منطقه دارند، تحلیل آن ها از چشم انداز تحولات منطقه و نگرانی است که از چشم انداز تحولات دارند. آنان چشم انداز آینده تحولات را امید بخش ارزیابی می

کنند و آن را در راستای اهداف امت اسلامی و حل مشکلات دنیای اسلام می دانند که در ادامه به فرمایشات مقام معظم رهبری در این مورد اشاره می کنیم.

«این مقطع، مقطع مهمی است و می تواند به حل مشکلات دنیای اسلام منتهی شود.» (۱۳۹۹/۳/۳)

«ملت ها خودشان همت گماشته اند بر اینکه سرنوشت خود را در دست بگیرند، این از آن حوادث فوق العاده بزرگ و تعیین کننده است؛ این می تواند برای مدت های طولانی، مسیر تاریخ امت اسلام و مسیر این منطقه را تعیین کند.» (۱۳۹۰/۱۱/۱۴)

در یک مرور اجمالی می توان از این امر دفاع کرد که از لحاظ تاریخی؛ انقلاب اسلامی ایران و روند تحولاتش همه برای ملت های منطقه بسیار مهم بوده است و هم شباهت زیادی بین روند شکل گیری آن با جنبش های اخیر خاورمیانه می توان مشاهده نمود. به سه مورد از مهم ترین آن ها در قالب سه مرحله اشاره می کنیم:

مرحله اول: شباهت برکناری دیکتاتورها. شباهتی که بین خواست مردم ایران در زمینه خروج و برکناری و محاکمه شاه ایران با دیکتاتورهای مصر، تونس، یمن و لیبی می توان مشاهده نمود. در این زمینه مردم مصر، تونس، یمن و.. مانند ایران، دیکتاتور خود را از قدرت برکنار کردند.

مرحله دوم: حاکمیت خدا و اجرای قوانین اسلام. در واقع بعد از برکناری دیکتاتورها؛ خواسته اصلی قریب به اتفاق جنبش های منطقه پیاده شدن و اجرای کامل قوانین اسلام بود که شباهت زیادی با خواست مردم ایران در این زمینه داشت. مثلاً مردم تونس نیز مجلس قانون گذاری خود بر مبنای اسلام را تشکیل دادند و مردم لیبی نیز مجلسی بر مبنای قوانین اسلامی شکل دادند و در برابر کتاب قرآن سوگند یاد کردند. مردم یمن همینطور...

مرحله سوم: تحقق آزادی و اجرای عدالت. با توجه به عمر کوتاهی که از انقلاب اسلامی ایران می گذرد و علی رغم تهدیدها و فشارهای خارجی بر جمهوری اسلامی ایران می توان گفت این کشور نمونه موفقیتی از برقراری آزادی و اجرای عدالت اسلامی در منطقه بوده است. البته برای اجرای این مرحله در کشورهایی که با خیزش های انقلابی مواجه بوده اند زمان زیادی لازم است و کشور های انقلابی هنوز در ابتدای راه می باشند ولی می توانند از تجربیات انقلاب ایران در این زمینه استفاده نمایند... (قالیباف و پورموسوی، ۱۳۹۱: ۱۳۲-۱۳۵)

بر این اساس با توجه به شعارهای انقلاب اسلامی و عملکرد رهبران ایران متوجه این امر

خواهیم شد که اعتقادات مردم به ویژه انصارالله یمن همخوانی بسیار نزدیکی با سیاستهای انقلاب اسلامی و دیدگاه رهبران انقلاب ایران دارد. با توجه به این شعارها، اعتقادات و شعارهای مردم یمن عبارت است از:

۱- تأثیر به گفتمان انقلاب اسلامی و اندیشه های امام خمینی، ۲- ضدیت با رژیم صهیونیستی، ۳- ارتباط فکری و الگوی گیری از حزب الله، ۴- ضدیت با آمریکا، ۵- اعتقاد به اسلام و تشیع، ۶- ارائه اسلام به دور از افراط و خرافات، ۷- تأکید بر همگرایی وحدت و همزیستی مسالمت آمیز با دیگران، ۸- اعتقاد به مردم، ۹- تکلیف مداری، ۱۰- تأکید بر شعارهای انقلابی. ۱۱- اتکا به ظرفیت های درونی به جای تمرکز بر بیرون.

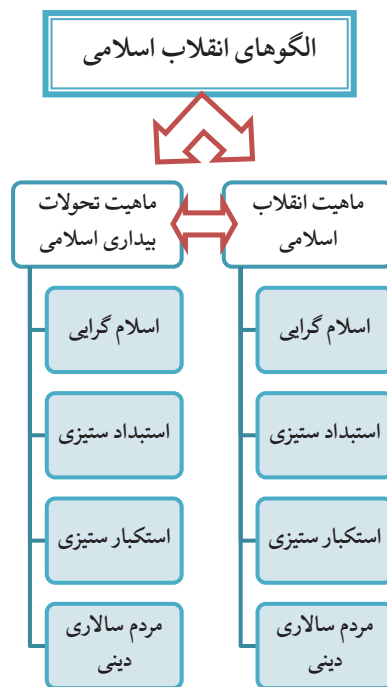
شعارهای مذکور به مرور زمان در بین مردم یمن و به خصوص الحوثی ها شکل گرفته است که به موارد زیر اشاره می شود: ۱- تأثیر انقلاب اسلامی در یمن به دوران دفاع مقدس باز می گردد. در این دوران انقلاب اسلامی این نقش را داشت که به زیدیه ای که دیگر قدرت و توان مقابله خود را از دست داده بود و به اصطلاح انرژی قبیله ای از آنها گرفته شده بود امیدوار نگه دارد؛ نقشه انقلاب در این دوران روشن نگهداشتن این آتش تا سال ۱۹۹۰ بود. (شیخ حسینی، ۱۳۹۴: ۲۳۹) انصارالله با الگو قرار دادن انقلاب اسلامی در ایران راه خود را در این ظلمات پیدا کرد و به وسیله مبارزه، شهادت و ایثار از این خواب سنگین زمستانی بیدار شد و بهار گرم بیداری اسلامی را در آغوش کشید که این بیداری از سال ۱۹۹۰ و در پی آن، شهادت رهبری این گروه در سال ۲۰۰۴ آغاز و هنوز هم تا رسیدن به خواسته های مشروع خود پابرجاست و از مهمترین نتایج این بیداری می توان به سقوط علی عبدالله صالح از ریاست جمهوری و اعتراضات مردمی نام برد. (موسوی نژاد، ۱۳۹۲: ۱۲۳)

۲- مهاجرت رهبران انصارالله به ایران: هنگامی که که علامه بدرالدین حوثی در قید حیات بودند به عنوان یکی از رهبران انصارالله در سال ۱۹۹۴ پس از آنکه خانواده اش در جریان جنگ داخلی یمن مورد هجوم و هابیان قرار گرفت فرصت را غنیمت شمرد به منظور دیدار با علما و آشنایی نزدیک با حوزه علمیه وارد ایران شد و در قم سکنی گزید و پس از بازگشت به یمن به دلیل آشنایی دقیق و نزدیک با فرهنگ انقلاب اسلامی و آرمان های آن، مروج نهضت امام خمینی در میان شیعیان یمن شد. (نجابت و کوشکی، ۱۳۹۵: ۶۲)

۳- تأثیر دیگر انقلاب اسلامی بر انصارالله با سفر حسین بدرالدین الحوثی به ایران در سال

۱۹۸۶ بود. وقتی حسین الحوثی ببه یمن بازگشت از برخی دیدگاههای ایران اسلامی در سیاست خارجی همچون مخالفت با آمریکا و اسرائیل تاثیر پذیرفته بود و در بازگشت به یمن شروع به سازماندهی الحوثی ها کرد و در دهه ۱۹۹۰ به عنوان یکی از نمایندگان پارلمان انتخاب و در نهایت در اولین دهه قرن ۲۱ به رهبر جنبشی تبدیل شد که به نام او نامگذاری شد (میلانی ۱۳۸۷: ۱۶)

۴- یکی از تاثیرات انقلاب ایران صدور فتوای امام خمینی علیه سلمان رشدی است و بار دیگر صدور انقلاب گونه ای دیگر قوت گرفت. نمونه بارز دیگر این اثرگذاری را امروزه به مناسبت های مختلف در یمن و تجمعات آنها می توان مشاهده نمود حتی شعارهایی که داده میشود ترکیبی از شعارهای امروز مردم ایران در برابر استکبار و... میباشد.



نتیجه گیری

انقلاب اسلامی ایران، مانند بسیاری از انقلاب های دیگر، پیامدهای داخلی، منطقه ای و بین المللی داشته است. از جمله پیامدهای فراملی انقلاب اسلامی این بود که توانست روح تازه ای

را در کالبد مسلمانان جهان بخصوص آسیا و آفریقا بدمد و به احیا اسلام سیاسی کمک کند. و یک بیداری اسلامی در جهان ایجاد نمود. بیداری اسلامی به عنوان یک آگاهی جمعی با تکیه به اراده عمومی و متأثر از اسلام اصیل تحت مدیریت جمهوری اسلامی در شرایط کنونی تبدیل به رفتار سیاسی شده و در شکل یک ایده سیاسی سامان داده شده است. تئوریزه شدن این نهضت فکری مرحله فرمولیته‌ای را پشت سر گذاشته و به عنوان یک مدل سیاسی رخ نموده است. به طوری که، شرایط کاملاً نسبت به یک دهه گذشته متحول شده است. وضعیت معادلات منطقه در حرکت رو به پیش خود همسو با منافع و مصالح اسلام و جنبش‌های اسلامی و کاملاً به ضرر غرب در حال رقم خوردن است. این موج فزاینده نهضتی، در صدد شکستن موانع نهضتی غرب برای رسیدن به یک جامعه دین محور است. به همین دلیل مردم کشورهای اسلامی تا سال ۲۰۱۰ که جنبش انقلاب اسلامی قرار گرفتند و تحولاتی را از ابتدای انقلاب اسلامی تا سال ۲۰۱۰ که جنبش بیداری اسلامی از آفریقا شروع و به منطقه خاورمیانه رسید که منجر به سقوط حکومت‌های دیکتاتوری در کشورهای مثل تونس، لیبی، مصر، یمن و... ایجاد کرد. برخی از تأثیرات انقلاب اسلامی در حوزه‌های زیر بودند:

- ۱- احیای اسلام؛ در کشورهای آفریقا، غرب آسیا و... پس از حرکت جنبش خود بر احیای آموزه‌هایی دینی تأکید داشتند.
۲. تغییر گفتمان منازعات جهانی؛ انقلاب اسلامی گفتمان مرزبندی‌های جغرافیایی، نژادی، قومی و حتی مذهبی را در تخصصات بین‌المللی به هم ریخته و جنگ دولت‌ها را به عنوان مستکبرین از یک طرف با ملت‌ها به عنوان مستضعفین از طرف دیگر منازعه واقعی و نهایی و نهایت مطرح نمود.
۳. خیزش جهانی مستضعفین علیه مستکبرین.
۴. طرح اسلام سیاسی به عنوان گفتمان جدید؛
۵. نفی نظام غرب محور؛
۶. جهان اسلام به عنوان یک قدرت مطرح در نظام جهانی
۷. تغییر معیارهای قدرت در نظام بین‌الملل؛
۸. آغاز تهاجم جهان اسلام؛
۹. بازگشت به شکوه و عظمت تمدن اسلامی؛

منابع

۱. آزاد ارمکی، تقی، ۱۳۸۳، هویت‌سازی و بحران هویت در ایران، تهران، ققنوس
۲. احتشامی، انوشیروان. (۱۳۷۸). سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی. ترجمه ابراهیم متقی و زهره پوستین چلی. تهران مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳. اخوان مفرد، حمید. (۱۳۸۱) ایدئولوژی انقلاب ایران. تهران. پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی معاونت پژوهشی.
۴. امرایی، حمزه. (۱۳۸۳). انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر. تهران. مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۵. بهنیا فر، احمد رضا، (۱۳۹۱) شاخصه‌های تمدن اسلامی و انطباق آن با مؤلفه‌های بیداری اسلامی، مجله پانزده خرداد، ش ۳۴، ص ۱۷۲-۱۹۰
۶. بیانات مقام معظم رهبری به مناسبت‌های مختلف، <https://farsi.khamenei.ir>
۷. بشیریه، حسین. (۱۳۷۸). جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران. تهران. مؤسسه نشر علوم نوین
۸. جمال زاده، ناصر. (۱۳۹۱). قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و نظریه صدور فرهنگی انقلاب (با تأکید بر بیداری اسلامی در منطقه). فصلنامه علمی پژوهشی انقلاب اسلامی. سال اول. شماره چهارم. صص ۸۶-۶۱.
۹. حاجی یوسفی، امیر محمد. (۱۳۹۱). ایران و انقلاب‌های ۲۰۱۱ خاورمیانه: برداشت‌ها و اقدامات. مطالعات انقلاب اسلامی. شماره ۲۸. صص ۱۶۲-۱۳۷.
۱۰. - حاجیانی، ابراهیم، (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی هویت ایرانی، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک
۱۱. زهیری، علیرضا. (۱۳۸۹). جمهوری اسلامی و مسأله هویت ملی. قم. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
۱۲. سوری، فرشته؛ احمدی، زهرا (۱۳۹۲). نقش انقلاب اسلامی در بیداری اسلامی، اولین کنفرانس بین‌المللی حماسه سیاسی (با رویکردی بر تحولات خاورمیانه) و حماسه اقتصادی (با رویکردی بر مدیریت و حسابداری)، رودهن

۱۳. شکرزاده چهاربرج، رضا؛ جعفری فر، احسان (۱۳۹۹). بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان یمن، پژوهشهای راهبردی انقلاب اسلامی، دوره اول، شماره ۲، صص ۲۱-۴۱
۱۴. شیخ حسینی، مختار، ۱۳۹۴، جنبش انصارالله و آینده قدرت در یمن، قم، انتشارات مجمع جهانی اهل البیت ع ج ۲
۱۵. صوفی نیارکی، تقی (۱۳۹۰) بیداری اسلامی، حادثه معجزه آسا، تهران: اداره کل امور دینی و اعزام مبلغ سازمان اوقاف و امور خیریه
۱۶. فاتحی، محمد. (۱۳۹۱). از بیداری اسلامی تا تمدن اسلامی. نشریه سرباز. شماره ۱۹۱. صص ۴۲-۴۳.
- ۱۷-فاضلی نیا، نفیسه. (۱۳۸۸). ایدئولوژی تشیع، انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی. پانزده خرداد. دوره سوم. سال پنجم. شماره نوزدهم. صص ۶۶-۳۸.
- ۱۸-فلاح، محمدرضا. (۱۳۹۱). بیداری اسلامی در آئینه انقلاب اسلامی (نگاهی به اشتراکات و افتراقات جنبش های اسلامی منطقه با انقلاب اسلامی ایران). ویژه بیداری اسلامی. شماره ۲۱. صص ۵۸-۵۱.
- ۱۹-قالیباف، محمد باقر و سید موسی پور موسوی. (۱۳۹۱). نقش هویت و بیداری اسلامی در شکل گیری تحولات اخیر خاورمیانه. فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی. سال اول. شماره دوم. صص ۱۳۹-۱۱۹.
- ۲۰-گل محمدی، احمد، جهانی شدن، فرهنگ، هویت، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱،
- ۲۱-موسوی نژاد، علی، ۱۳۹۲، همایش ناصر کبیر، قم، مجمع جهانی اهل بیت ع
- ۲۲-میلانی، محسن، ۱۳۸۷، شکل گیری انقلاب اسلامی، ترجمه مجتبی عطار زاده، تهران ج ۵
- ۲۳-محمدی، منوچهر. (۱۳۸۶). بازتاب جهانی انقلاب اسلامی. قم. انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۲۴-مرادپوردهنوی، امیرحسین، ۱۳۹۹، درآمدی بر مراحل بیداری اسلامی در جهان اسلام، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، ش ۱۸ صص ۸۵-۱۱۱
- ۲۵-نصر اصفهانی، محسن (۱۴۰۱) تأثیر نقش مفهومی انقلاب اسلامی بر هویت خواهی شیعیان

۷۵-۵۷-۲۳ فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، ش ۲۳ صص ۷۵-۵۷
 ۲۶-نجفی محمد جواد و بهزاد نجفی (۱۴۰۱) مصادیق تاریخی بیداری و مقاومت ملت یمن،
 فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، ش ۲۳ صص ۱۰۱-۱۲۳
 ۲۷-نجابت، روح الله، کوشکی، صادق، ۱۳۹۵، انصار الله در یمن از تاسیس تا تثبیت، قم،
 دفتر نشر معارف

۲۸-نظری، علی اشرف و بهاره سازمند. (۱۳۸۷). گفتمان هویت و انقلاب اسلامی ایران.
 تهران. مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران.

۲۹-هزاه ای، سید مرتضی. (۱۳۹۱). انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و آینده اسلام سیاسی
 در منطقه. فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی. سال اول. شماره ۴.
 صص ۱۱۳-۱۴۳.

۳۰-یزدان دوست، حسینعلی (۱۳۹۰) «جهان ونهضت بیداری اسلامی»، «سایت سازمان
 تبلیغات اسلامی»

31-Filiu.Jean-pierre.(2011).The Arab Revolution.Ten lessons From
 .the Democratic uprising.oxford university press oxford

32-Tarock.Adam.(2011).Time for The Government to fear the peo-
 .ple.in 88 theAustralian Rationalist

۳۳-کرمانی، داوود. (۱۳۹۱). الهام بخشی انقلاب اسلامی بر تحولات منطقه عربی. برگرفته از:

<http://www.islamtimes.org/vdcf0xd0jw6d0ca.igiw.html>